

دلالت کند بر سختی سرگردان در وقت و بسیاری پروباران و استقامت حال و هلیان و از
 مقابله دلالت کند بر حقد و کینه میان مردم و جستن بادها و ناپور و مجاپها و کرازی
 و بدی حال مردم (اتصال قهر بعد از انصاف بر محل در برج حوت) از مقارنه دلالت
 کند بر میل هوا بر دی و از تندیس دلالت کند بر قلت آنها و بدی احوال و هاقین
 و حدوث زلزله و از تریج دلالت کند بر غرق کشتیها و تباهی حال تجار و توسط حال
 قضاة و فقها و از تثلیث دلالت کند بر قوت کار مشایخ و دهاقین و میل هوا بر طو
 و برودت و از مقابله دلالت کند بر ظلمت هوا و قلت آب چشمها و چاهها و جویها *
 (اتصال قهر بعد از انصاف از اجتماع و استقبال بمشتری در برج حمل) از مقارنه دلالت
 کند بر قوت حال اشراف و وزراء و مردم اصیل و کرازی زرخها خاصه زرخ برنج و از تندیس
 دلالت کند بر قوت حال اهل سلاح و ارباب خدم و حشم و صافی و محو هوا و از زانی زرخها
 و کساد بازارها و از تریج دلالت کند بر مخالفت میان سلاطین و خلاف و مباحثه میان
 فقها و علما و تباهی ضیاع و از تثلیث دلالت بر ظهور سعادت کند در عالم خاصه در عمل
 و قوت حال اهل قلم و ادب و استقامت احوال اشراف و از مقابله دلالت کند بر خیر و
 سعادت در کارهای اهل عالم و ظهور بیماریها در زمین عراق و کدورت اهل صلاح
 و علما و ضعف در کار دین (اتصال قهر بعد از انصاف بمشتری در برج ثور) از مقار
 دلالت کند بر قوت اهل صلاح در کارهای مردم و شادی عامه و از تندیس دلالت کند
 بر قوت اهل صلاح و استقامت احوال علما و فقها و اصحاب بیانت و توسط حال دین
 و زیادتی سعادت مردمان خاصه در ولایت جرجان و طبرستان و از تریج دلالت کند
 بر مخالفت علما و فقها و جدل میان اهل علم و ادب و ارباب مذاهب فتنه در میان
 اهل ارجح و از تثلیث دلالت کند بر قوت اهل صلاح و دور و دهاقین و اشراف و بزرگان
 و اهل انشا و ارباب قلم و از مقابله دلالت کند بر توسط احوال و زوار و اهل حرف و صنایع
 (اتصال قهر بعد از انصاف بمشتری در برج جوزا) از مقارنه دلالت کند بر نیکی
 مستوران و جستن بادهای خنک و خوشی هوا و از تندیس دلالت کند بر ظهور اهل صلاح

دعا

انصاف قهر بعد از انصاف

دعا

دعا

و خیر در عالم و اتفاق و زرا و اشراف و زیادتی سعادت بزرگان و یافتن جاه و منزلت
از پادشاه و ارتقاء قدر اهل علم و از تربیع دلالت کند بر تغییر هوا و حرارت و جستن باد
و گذرت علم و از تثلیث دلالت کند بر تنگی حال اشراف و سعادت و پیران و اهل علم
و استقامت حال تجار و از زانی بزخمها و از مقابله دلالت کند بر توسط احوال علماء و قضا
و جدل و مناظره در میان اهل مذاهب و مخالفت علماء (اتصال قمر بعد از انصراف بمشتری
در برج سرطان) از مقارنه دلالت کند بر ظهور خیر و صلاح در عالم و تنگی حال زنان
مستوره و از تدبیر دلالت کند بر سعادت عامه خلایق و پیداشدن تنگی در احوال
وزراء و ارباب صلاح و یافتن مرادها و استقامت احوال جاسوسان و از تربیع دلالت
کند بر فتنه و مناظره در مذاهب و خصومت و جدل میان علماء و کارها و از تثلیث دلالت
کند بر قوت حال اشراف و وزرا و پیداشدن خیر و سعادت میان عامه مردم و از مقابله
دلالت کند بر ضا حال وزراء و قضاة و اشراف و کساد بازگذاختن میان اهل علم
و ارباب دین و اهل ادب و نحو و لغت (اتصال قمر بعد از انصراف بمشتری در برج اسد)
از مقارنه دلالت کند بر پیداشدن عدل و انصاف و شفقت ملوک با رعایا و اوساط
الناس و از تدبیر دلالت کند بر استقامت احوال مردمان اصیل و سادات و اشراف
و مشغول بودن مردم بکارهای دین و صلاح و قوه حال عامه و تجار و از تربیع دلالت
کند بر ظهور تشویش و فتنه میان لشکریان و مخالفت اهل صلاح و خصومت و جدل میان
اهل علم و تباهی حال عامه مردم و از تثلیث دلالت کند بر قوت حال مشایخ و استقامت
احوال ملوک و پیداشدن عدل و زیاده شدن مترطها و رعایت یافتن علماء از ملوک
و از مقابله دلالت کند بر نیکت رسیدن با اشراف از پادشاه وقت توسط احوال هوا و
در بعضی مواضع فساد و عفونت هوا بود (اتصال قمر بعد از انصراف بمشتری در برج
مسنبله) از مقارنه دلالت کند بر پیداشدن عدل و انصاف و شفقت ملوک با رعایا
و اوساط الناس و از تدبیر دلالت کند بر استقامت احوال مردمان اصیل و سادات
و مشغول بودن عامه مردم بکارهای دین و قوت علماء و تجار و از تربیع دلالت کند

و اتصال قمر بعد از انصراف بمشتری

و اتصال قمر بعد از انصراف بمشتری

و اتصال قمر بعد از انصراف بمشتری

انصافات قرآنی

بر ظهور و فتنه و فتویش میان لشکران و مخالفت اهل صلاح و خصومت و جدل میان اهل
علم و فضل و تباهی احوال عوام و از تثلیث دلالت کند بر قوه مشایخ و استقامت احوال
پادشاه و ظهور عدل و داد و زیادتی منزلت اشراف و بخشش ملوک در باره علما و از
مقابله دلالت کند بر توسط حال بزرگان و دبیران و تباهی حال اهل صلاح و منازعه
میان اهل علم و عامه خلائق و مخالفت در مذاهب (اتصال قریب از انصاف بشتری
در بر سبب میزان) از مقارنه دلالت کند بر خیر و صلاح در مردم و میل نمودن بخوبی و
و از تثلیث دلالت کند بر خیر و سعادت در بلاد عراق و بلخ و بدخشان و از تثلیث دلالت
کند بر استقامت احوال دین داران و از ترتیب دلالت کند بر خوبی اهل خیر و صلاح
و سعادت کار عامه مردمان و ظهور فتنه در زمین بلخ و هرات از مقابله دلالت کند
بر ظهور و بنا در مردم و بیماری خونی و نزله و زکام و فساد راهها و غالب شدن در راه
و راهداران (اتصال قریب از انصاف بشتری در سبب عقرب) از مقارنه دلالت
کند بر خیر و صلاح مردم و ظهور عدل و انصاف در جمیع ممالک و از تثلیث دلالت کند
بر استقامت احوال علما و اهل ادیان و نیکی حال بازاریان و زیاده شدن منزلت قضای
و حکام و از ترتیب دلالت کند بر مخالفت اهل علم و دین و جدل در مذاهب و فساد کار
اهل صلاح و از تثلیث دلالت کند بر خیر سعادت عامه خلق و از زانی چهار پایان و
ظهور عدل و انصاف میان خاص و عام و شفته تا کردن ملوک بر رعایا و از مقابله
دلالت کند بر تمام شدن کار مردمان و مشغول بودن ببله و نشاط و شادکامی و
پیداشدن فساد و مخالفت میان علما و نکبت بعضی از کتاب و حساب (اتصال
قریب از انصاف بشتری در سبب قوس) از مقارنه دلالت کند بر خیر و صلاح مردم
و پیداشدن عدل و انصاف در جمله بلاد و از تثلیث دلالت کند بر نیکی احوال
علم و دین و خوشحالی بازاریان و زیادتی منزلت قضاة و حکام و از ترتیب دلالت
کند بر مخالفت میان اهل دین و پیداشدن جدل در مذاهب و کدورت میان ملوک
و اهل صلاح و از تثلیث دلالت کند بر نیکی کار عامه و از زانی نعمت و اسباب دین از

در سبب میزان

در سبب عقرب

در سبب قوس

واتصالات در بساط رکوع کتب

کتب و غیرها و از مقابله دلائل کند بر تباهی حال لشکریان و اهل صلاح (اتصال امر) بعد از انصراف بیشتر در مربع جنگ) از مقدار نیز دلائل کند بر خوشحالی احوال علماء و عدل و داد در میان کافران و از تدبیر دلائل کند بر آشکار شدن کارهای پوشیده و نیکی حال ارباب ضیاع و مشایخ و پیدا شدن بدعت و از ترتیب دلائل کند بر توسط حال عامه و نایل بودن هوا بیره و تادریکی و نقصان جاه بعضی از علماء و سختی سکرما در وقت و از تثلیث دلائل کند بر خیر و سعادت کارهای عالم و از مقابله دلائل کند بر تباهی احوال اهل شر و فساد و حال عوام و بسیاری ترس و بیم در لشکریان و پیدا شدن اهل صلاح (اتصال امر بعد از انصراف بیشتر در مربع جنگ) از مقدار نیز دلائل کند بر خوشحالی اهل علم و صلاح و استقامت کار اهل ادب و علم و از تدبیر دلائل کند بر استقامت کار مشایخ و دهاقین و پیدا شدن کارها و بسیاری عامه و از ترتیب دلائل کند بر منازعه و مخالفت میان پادشاهان و اهل صلاح و سختی سکرما و آمدن باران و کفاف زرخیزها و از تثلیث دلائل کند بر روانی کار دهاقین و جستن بارها و نیکی مزارعان و اهل روستا و از مقابله دلائل کند بر ظهور کینه میان عامه و بیایا نقص شبان دیران و ظهور فساد در عالم (اتصال امر بعد از انصراف بیشتر در مربع جنگ) از مقدار نیز دلائل کند بر تزیید چشمها و مشغول شدن مردم بعمارت جوئی و آرزوی جاه و از ترتیب دلائل کند بر مخالفت علماء و توسط حال عوام و از تثلیث دلائل کند بر خیر و صلاح و سلامتی کاف و خلاق و ظهور عدل و صدور انصاف از ملوک و موافقت مردم از مقابله دلائل کند بر تباهی حال عامه مردم و جور کشیدن از لشکریان (اتصال امر بعد از انصراف از اجتماع و استقبال مربع در مربع جنگ) از مقدار نیز دلائل کند بر ظهور مخالفت در میان سپاهیان و خروج دشمنان و قوت لشکریان و بسیاری حق و از تدبیر دلائل کند بر قوت اهل صلاح و سرداران و حرکت سنا که بسیار از فساد حال مردم از ترتیب دلائل کند بر خونریزی و منازعه و مخالفت میان اهل صلاح و تباهی و فساد راهها و غلبه غوغا و کثرت لشکرها و اگر تثلیث بود دلائل کند بر

اتصال امر

اتصال امر

اتصال امر

اتصال امر بعد از انصراف بیشتر در مربع جنگ

انصاف قمر از اجتماع و استنباط

یا فتن ملوک بر اعدا و نیکی و احوال اشراف و موافقت اهل صلاح و لشکریان و پیدا شدن
حوادث در هوا و فتنه و حرب و جدل میان خاص و عام و از مقابله دلالت کند بر یختم
خونهای ناهق و پیدا شدن فساد در عامه و بسیاری عد و بوق و حرارت و سستی در
هوا و از زانی زخنها و پیدا شدن فزع در میان مردم مان (اتصال قمر بعد از انصاف بمخ
در برج ثور) از مقارنه دلالت کند بر کثرت فتنه و یختم خونهای ناهق و فتنه و قتل
و حرب و مناظره و مجادله در میان مردم مان و از شدت دلالت کند بر قوت احوال
بازاریان و بسیاری عد و بوق و ستواتر شدن با بان و از زانی زخنها و نیکی حال
صلاح و از تریب دلالت کند بر حرب و فتنه در اطراف و فساد احوال عامه و فزع و سستی
در مردم و ظهور ظلم و جور و دست یافتن ظلم بر رعیت و بسیاری راجیف و غلبه و زدن
و تباهی راهها و از تشبیه دلالت کند بر نیکی احوال مردم مان سپاهی و بسیاری فوائد
و از مقابله دلالت کند بر خروج دشمنی از ناحیه جنوب و متوسط بودن کار صناعات و
دبیران و اهل تجارت و تباهی احوال عامه (اتصال قمر بعد از انصاف بمخ در برج جوزا
از مقارنه دلالت کند بر بسیاری فتنه و قشویش و خونریزی و صوب و ریا و فساد
هوا اگر شد پس باشد دلالت کند بر توسط حال سرهنگان و اهل صلاح و میل هوا بر
و حرکت لشکرها و از تریب دلالت کند بر خونریزی و بسیاری بادهای گرم و تباهی کار
عامه و از تشبیه دلالت کند بر قوه حال اهل صلاح و جتن بادهای حار و ظفر یافتن
ملوک بر منازغان و دشمنان و از مقابله دلالت کند بر توسط احوال دبیران و تجارت
کثرت فتنه و ظهور فساد در طرق و شوارع (اتصال قمر بعد از انصاف بمخ در برج
سرطان) از مقارنه دلالت کند بر بسیاری ظلم و فتنه و حدوث حوادث و تباهی حال
عامه مردمان و علامات ایات در هوا و قشویش در رعیت و تغلم ایشان و قهر کردن
بعضی بر بعضی و اگر از شدت پس باشد دلالت کند بر ویرانی بناها و امینی راهها و نیکی
حال لشکریان و سرهنگان و ارباب صلاح و ستوران و از تریب دلالت کند بر بسیاری
حرب و فتنه و کثرت یختم خون و حدوث و ظهور سستی در هوا و غلبه و زدن و فساد

در برج ثور

در برج جوزا

در برج سرطان

واقصا و بسایر کواکب

در عالم و از تثلیث دلالت کند بر حرکت لشکرها و نیکی اهل سلاح و از مقابله دلالت بر کرمی
 هوا و حرکت لشکرها و فساد طرق و شوارع و تار و پکی هوا و تباهی احوال مردم (اتصال
 قمر بعد از انصراف بمریخ در برج اسد) از مقارنه دلالت کند بر هبوب ریاخ خاره و ظهور
 ظلم و فساد در عالم و از تدبیر دلالت کند بر استقامت اهل سلاح و میل هوا بکرمی و
 خشکی و جستن باد های کرم و ارزانی زرخها و از تربیع دلالت کند بر نایمی راهها و
 امراض خاره و بدی هوا و از تثلیث دلالت کند بر نیکی خال اهل سلاح و خوشی
 ملوک و اهل عزت و بزرگان و از مقابله دلالت کند بر فساد راهها و کرمی هوا و حرکت
 لشکران و کراک زرخها (اتصال قمر بعد از انصراف بمریخ در برج سنبله) از مقارنه
 دلالت کند بر بسیاری حرب و فتنه و خصومت میان عامه و تباهی راهها از زردان و از
 دلالت کند بر احراق شهرها و ریختن خونها بغیر حق و فتنه و تشویش در ولایتی که منسوب
 باشد بسنبله و از تثلیث دلالت کند بر ظهور نیکت میان اهل فساد و استقامت
 اهل سلامت و سلامتی عامه مردمان و از مقابله دلالت کند بر فساد خال لشکران و
 وجدل میان اهل علم و فضل سیما حکما و اهل تعظیم (اتصال قمر بعد از انصراف بمریخ
 در برج میزان) از مقارنه دلالت کند بر منازعه میان عامه و تغییر هوا و از تدبیر دلالت
 کند بر ظهور سرخی در هوا و نیکی احوال بزرگان و سادات و ارزانی زرخها و از تربیع دلالت
 کند بر بسیاری فتنه در زمین بلخ و جدل و منازعه میان مردمان و جستن باهای کرم
 و از تثلیث دلالت کند بر قوه حال اهل سلاح و حرکت لشکران و ظهور جدل و اجتناب
 اراجیف و از مقابله دلالت کند بر فساد راهها و حرکت لشکرها و بسیاری فتنه و سخنان
 دروغ (انفصال قمر بمریخ در برج عقرب) از مقارنه دلالت کند بر قوه حال لشکران
 از اهل سلاح و از تدبیر دلالت کند بر ظهور تشویش عامه و سرخی در هوا و ایمنی راهها
 و ریختن خونها و پدید آمدن حرب و فتنه میان عامه و از تربیع دلالت کند بر فساد
 از باب فساد و بدی راهها و فتنه و تشویش و غلبه غوغا و از تثلیث دلالت کند بر میل
 هوا بکرمی و خشکی و حرکت اهل سلاح و جستن بادها و از مقابله دلالت کند بر ظهور فتنه

لشکران

سنبله

برج میزان

عقرب

انصاف قمر از اجتماع و استقبال

در بلاد و قری و مخالفت و حرب میان اهل سلاح و لشکریان و شکستن کشتیها و بتاهی
 حیوانات ایچ (انصال قمر بعد از انصراف بمریخ در برج قوس) از مقارنه دلالت کند بر
 خون ریختن و فساد احوال لشکریان و اهل سلاح و از تندیس دلالت کند بر شدت حرارت
 بر مزاج بزرگان و قوت لشکریان و از ترکیب دلالت کند بر وقوع فتنه و مجادله میان اهل
 سپاه و انتزاف دادن در خانهها و از تثلیث دلالت کند بر قوت حال اهل ادیان و نیکی
 حال لشکریان و مخفی کرنا و ظهور سرخی در هوا و از مقابله دلالت کند بر ظهور حرب
 فتنه و خون ریختن و قوت اهل شرف و نا ایمی باهنا (انصال قمر بعد از انصراف بمریخ
 در برج جد) از مقارنه دلالت کند بر قوت احوال لشکریان و فساد طرق و شوارع و افت
 مردم از سپاهیان و از تندیس دلالت کند بر سرخی هوا و جستن باد های جنوبی و پیدا
 شدن حرب و فتنه و از ترکیب دلالت کند بر سرخی هوا و مناظره میان عامه و اهل سلاح و
 هبوب ریاح و از تثلیث دلالت کند بر مخالفت اهل سلاح و ظفر یافتن بر اعدا و از تثلیث
 دلالت کند بر جستن بادها مخالفه نزاع میان سپاهیان و فزوع و خوف سپاهیان
 و فساد طرق و شوارع (انصال قمر بعد از انصراف بمریخ در برج دلو) از مقارنه دلالت
 کند بر حربها سخت و مناظره و ریختن خون در بیشتر بلاد گرمسیر و از تندیس دلالت کند
 بر ظهور سرخی در هوا و جستن بادها و پدید آمدن نیکی در کارهای عامه و از ترکیب دلالت
 کند بر مخالفت لشکریان و سکرهنگان و پیداشدن فزع و ترس در خاطرها و از تثلیث
 دلالت کند بر قوت اهل سلاح و لشکریان و استقامت احوال عامه مردمان و جستن بادها
 جنوبی و میل هوا بکرمی و خشکی و از مقابله دلالت کند بر بتاهی حال هوا و پیداشدن
 بلا در میان عامه مردم (انصال قمر بعد از انصراف بمریخ در برج حوت) از مقارنه دلالت
 کند بر پدید آمدن فساد در عالم و ریخته شدن خون در بیشتر شهرها و از تندیس دلالت
 کند بر توسط شر و فساد و مجادله و فتنه و نیکو شدن کار مردم و از ترکیب دلالت کند
 بر وقوع شر و فساد و خونریزی و تشویش و حرب و نیکو شدن کارها و از تثلیث دلالت
 کند بر ایمی باهنا و نیکی حال زنان خاصه حواتین معظمه (انصال قمر بعد از انصراف

هنگامی که قمر

از جنوب

و شوارع

در مردم

والتصا ارباير كواكب

انصاف
در
اجتماع

تبع

از اجتماع و استقبال بزهر در برج حمل (از مقدار نه دلاکت کند برشادی و غری و رسید
 مردم بشهوات و لذات و پیدا شدن عشق و دوستی میان مردم و از شد پس دلاکت
 کند بر خوشی هوا اما بل بر طوبت و جستن بادها و از آن نزهت و سکی خالی عامه و
 از تربع دلاکت کند بر فساد هوا و بد حالی اهل طرب و مخالفت میان ایشان و از تثلیث
 دلاکت کند بر اعتدال هوا و آمدن اخبار ساره و از مقابله دلاکت کند بر فساد و حال زنا
 و مطربان و خداوندان اهل طرب و مخالفت میان اهل علم و زهد (بتبیه) بر از همان استقامت
 مخفی نماید که ابو معشر تربع او قمر بعد از انصراف از اجتماع و استقبال بتربع سفلیین نسبت
 داده اند و این محالی است پس عظیم چه در وقت اجتماع وضع سفلیین از سه شوق خالی نتواند
 یا مقارن افتاب باشد یا در طرف صبا یا در طرف مساوی در شق اول چون قمر از مواضع
 اجتماع منصرف شود تا از حد تسدیس ایشان نکند در تربع نتواند رسید پس قمر از
 انصراف بتسدیس رسیده باشد نه تربع و در شود دوم نیز باین طریق است الا انکه مو
 تسدیس در این شوق از بیکت بموضع اجتماع از شق اول و در شق بهم بمقارنه ایشان بر
 کمالا یعنی در استقبال قمر بعد از انصراف بمقابله و تثلیث سفلیین نتواند رسید اما
 بتربع که بمحوش عنه است نمیرسد بقیاس آنچه در اجتماع کفیم و این بانند که تا علی ظاهر
 و چون تا و پیل معنی اکابر هر چند از قیاس دور باشد واجبست گوئیم شاید که مراد ابو
 از انصراف قمر از افتاب خروج او از تحت الشعاع بود باین معنی مستعد رؤیه شاه باشد
 و چون چنین بود میتواند بود که زهره در طرف صبا یا ط اعظم رسیده باشد
 و بعد سکود در حال رؤیه چهارده درجه یا بیشتر باشد پس در این صورت قمر بعد از
 خروج از تحت الشعاع از حد تسدیس زهره گذشته باشد و متوجه تربع بود اما در عطا
 این معنی در معظم معوره صورت پذیرد و هم چنانکه بر ذکی مخفی نیست لیکن در او اجز
 معوره ممکن است چه بعد سواد در حال رؤیه هلال در ان بلا و از سی و سه درجه بجا
 میکند و چون چنین باشد در حال رؤیه از حد تسدیس عطار گذشته متوجه تربع با
 لیکن تعسف این در وجه خاصه وجه ثانی بر ذکی مخفی نیست و چون این دو امر از اجتماع

این

انصراف قمر از اجتماع و استقبالی

باین توجیه محقق پذیرد در ماضی فیه کافی است هر چند در استقبال معتدل باشد
 (اتصال قمر بعد از انصراف بزهره در برج ثور) از مقارنه دلالت کند بر ظهور و نشاط
 و نشاط در میان مردم و نیکی حال عامه خدایق و کساد بازاریها و ارزانی زرخها و از
 تسدیس دلالت کند بر نیکی حال زنان و خداوندان لهو و طرب و زمینت و رغبت مردم
 بخوردنیهای لطیف و پاکیزه و از تربیع دلالت کند بر فساد حال زنان و اعتدال هوا
 و ارزانی زرخها و پیدا شدن خیر و سعادت در کارهای مردمان و از تثلیث دلالت کند
 بر بسیاری طهور و طرب و شادی در میان عامه و نیکی احوال ایشان و جستن باورها و آمدن
 بارانها و قابل بودن هوا بر طوبه و رسیدن خبرهای فرحناک و از مقابله دلالت کند بر
 فساد حال زنان و آرباب غنا و فواید مردم از صنایع (اتصال قمر بعد از انصراف
 بزهره در برج جوزا) از مقارنه دلالت کند بر قوه احوال زنان و دبیران و آرباب قلم
 و تجارت و توانگران و از تسدیس دلالت کند بر ظهور طرب و شادی در عامه مردم
 مشغول بودن بنشاط و کامرانی و آمدن باران و رعد و برق و تکرک و تزیاید میاه و
 از تربیع دلالت کند بر فساد حال زنان و خصوصت شرکاء و از وراج و از تثلیث دلالت کند
 بر اشتغال مردم بنشاط و شادی و تغییر هوا و جستن با دغای مختلفه بسیاری خبرها
 اراجیف و از مقابله دلالت کند بر مشرور مردم و طرب (اتصال قمر بعد از انصراف
 بزهره در برج سرطان) از مقارنه دلالت کند بر نیکی حال هوا و قوه زنان و آرباب
 ملامه و از تسدیس دلالت کند بر نیکی حال میوهها و نباتات صیفیه و اعتدال هوا و بیان
 در مواضع مستعد و ارزانی زرخها و از تربیع دلالت کند بر منازعه از وراج و فساد
 زنان و از تثلیث دلالت کند بر بسیاری لهو و طرب و مشغولی عامه بکارهای دینی
 و میل هوا بر طوبت و آمدن تکرک در مواضع مستعد و از مقابله دلالت کند بر فساد
 احوال مردمان و قابل شدن هوا بظلمت و ظهور مشرب الارض (اتصال قمر بعد از
 انصراف بزهره در برج اسد) از مقارنه دلالت کند بر مخالفت از وراج و شرکاء و از
 تسدیس دلالت کند بر حصول مراد ملوک و اکابر اعیان دولت و اشراف و نیکی حال

نیمه اول
در برج ثور

در برج جوزا

در برج سرطان

در برج اسد

والتصا اوبسایر کواکب

مردم و حصول احوال نام از اصحاب دولت و شرف و از تزیین دلالت کند بر هلاک زنان آکا بر
 و ظهور فساد در احوال زنان و از باب موسیقی و از تثلیث دلالت کند بر شادی و شرف
 و طرب در بعضی از فرزند هان و از مقابله دلالت کند بر خروج اعدا بر ملوک و ملائک ایشان
 از اشرار و اهل فتنه (اتصال قمر بعد از انصراف بزهره در برج سنبله) از مآثر دولت
 کند بر میان نبودن احوال زنان و از تدبیر دلالت کند بر توسط احوال هوا و مایل شدن
 بر طوبت و برودت در مکانهای متعدد و نیکی حال اهل طرب و از تزیین دلالت کند بر
 جشن باوهای خنک و مخالفت میان شرکاء و از زانی زخنها و از تثلیث دلالت
 کند بر قوه احوال زنان خاصه کثیرن و مایل شدن هوا بر سردی و از مقابله دلالت کند
 بر تاریکی هوا و جشن باوهای خنک و ظهور فساد در میان عوام (اتصال قمر بعد
 از انصراف بزهره در برج میزان) از مقارنه دلالت کند بر نزول باران و جشن باوهای
 و تاریکی هوا و از تدبیر دلالت کند بر ظهور نشاط و طرب در میان مردم و قوی احوال
 زنان و موافقت ازواج و شرکاء و از تزیین دلالت کند بر پیداشدن عدوت و منازعه
 میان ازواج و دشواری کارهای آسان و میان نبودن احوال اهل طرب و از تثلیث دلالت
 دلالت کند بر قوت احوال زنان و اهل طرب و عزت ملبوسا و بسیاری را جیف میان
 عامه و از مقابله دلالت کند بر نزاع اهل طرب و فساد احوال زنان (اتصال قمر بعد
 از انصراف بزهره در برج عقرب) از مقارنه دلالت کند بر توسط احوال عورت و از
 تدبیر دلالت کند بر کثرت کذب و نماند بر زنان و تباهی احوال ایشان و از تثلیث دلالت
 کند بر قوه اهل ملاهی و مناهج و نیکی کارها عامه و مایل بودن هوا بر طوبت و از مقابله
 دلالت کند بر فساد حال زنان و عسرت کارها و ریخ زنان و کودکان (اتصال قمر
 بعد از انصراف بزهره در برج قوس) از مقارنه دلالت کند بر قوه حال اهل طرب و نشانی
 زنان و تاریکی هوا و آمدن بارانها و سعادت در کارها مطربان و ظهور مخنیان تان
 و از تزیین دلالت کند بر مخالفت میان اهل طرب و زنان و جدل میان زهره و ریان
 و منسوبان مشرق و از تثلیث دلالت کند بر طوبت هوا و آمدن برف و ضباب و اشتغال

در بعضی کواکب

در بعضی کواکب

در بعضی کواکب

در بعضی کواکب

انصراف قمر از اجتماع و استقبال

عامه بنشاط و شادی و از مقابله دلالت کند بر وفات بزرگی و تار یکی هوا و آمدن باران
 (اتصال قمر بعد از انصراف بزهره در برج جد) از مقابله دلالت کند بر سگرمی هوا
 و آمدن بارندگیها و جستن بارها و از تسدیر دلالت کند بر سردی هوا و آمدن خبرها
 خوش و سعادت مردمان و از تریب دلالت کند بر سرما و تار یکی هوا و بارندگی و تیار
 احوال زنان و از تشلیت دلالت کند بر حدوث بارانهای خورد قطره و تری هوا و از مقابله
 دلالت کند بر مرگ زنان و بتاهی حال ایشان (اتصال قمر بعد از انصراف بزهره در برج
 دلو) از مقابله دلالت کند بر اشتغال مردم بشهوات و لذات و تزیهت و از تسدیر
 دلالت کند بر گریه باران و باد و تری هوا و اینکه احوال عامه و از تریب دلالت کند بر فتنه
 احوال زنان و حدوث برق و برق و از تشلیت دلالت کند بر شادگامی عامه و نواید اهل
 و ساکنان بازار و رواج کار ایشان و از مقابله دلالت کند بر بتاهی حال زنان و دشواری
 کار ایشان (اتصال قمر بعد از انصراف بزهره در برج حوت) از مقابله دلالت کند بر قوه
 احوال زنان و خادمان و شادی عامه و بسیاری بارانها و سردی هوا و از تسدیر دلالت
 کند بر قوه حال اهل طرب و مشغول بودن مردمان بلبه و عیش و بسیاری شهوات و
 عامه و میل هوا بتری و تار یکی و جستن بارها خشک و از تریب دلالت کند بر قنق شادی
 عامه و بسیاری غوغای و نمان و مردم سفله و از تشلیت دلالت کند بر تقرب اهل طرب
 چنانکه آن و زنان و تری هوا و از مقابله دلالت کند بر بتاهی احوال زنان و جستن بارها
 و آمدن باران و برف و بتاهی کارها اهل طرب (اتصال قمر بعد از انصراف از اجتماع
 و استقبال بعطارد در برج حمل) از مقابله دلالت کند بر قوه حال دبیران و مشرفان
 و آمدن بارهای غبارناک و از تسدیر دلالت کند بر قوه حال کتاب و تجارت و پیدا
 شدن مکر و دروغ و جبهل میان مردمان و از تریب دلالت کند بر مخالفت بزرگان و
 متصرفان و اهل بازار (تنبیه) مخفی نماید که نظر تریب میان قمر و عطارد در این حال
 بی صورتیست و قبل از این در اعتذاران بنا بر آنکه الضرورات تبیح المحظورات کله چند
 مذکور شد و از تشلیت دلالت کند بر قوه احوال دبیران و متصرفان و ارزانی بر زخمها

و جلد

و کیف

و صفت

و اتصال قمر بعد از اجتماع و استقبال

واتصال و بسیار کواکب

و بسیاری خیرها و جستن بادها خنک و از مقابله دلالت کند بر فساد ستوران و توسط
احوال دبیرون و جستن بادهای خنک (اتصال قمر بعد از انصراف بعطارد در برج
نور) از مقارنه دلالت کند بر ارتفاع کرد و غبار و جستن بادهای خنک و از شدت پس
دلالت کند بر جستن بادها و آمدن باران و سیل و تاریکی هوا و از تریب دلالت کند بر
منازعه و جدل میان عامه و کساد بازارها و بسیاری منفعت دبیرون و متصرفان و از
تشلیت دلالت کند بر نیکی حال تجار و متصرفان و اهل بازار و بسیاری را جیف استقامت
احوال اهل طرب و ادب و از مقابله دلالت کند بر جستن بادهای زیان کار و تباہ شدن
میوهها از بادهای مختلف و مشکل شدن کارها و توسط احوال بخار و باررکان (اتصال
قمر بعد از انصراف بعطارد در برج جوزا) از مقارنه دلالت کند بر نیکی احوال دبیرون و
متصرفان و از شدت پس دلالت کند بر استقامت احوال هوا و جستن بادهای جنوبی و سیل
هوا و جنوبی و خونی احوال تجار و متصرفان و از تریب دلالت کند بر مخالفت میان مردمان
و بیماری کردگان و تغییر هوا و پیدا شدن غبار و تباہی احوال دبیرون و از تشلیت دلالت
کند بر توسط احوال اهل بازار و تباہی زمینها و سیل هوا بتری و استقامت کار اهل ادب و
از مقابله دلالت کند بر فساد احوال اهل کتاب و دبیرون و میانه بودن حال تجار و کساد
بازارها و پیدا شدن تاریکی در هوا (اتصال قمر بعد از انصراف بعطارد در برج میزان
از مقارنه دلالت کند بر جستن بادها خنک و را جیف مختلف و از شدت پس دلالت کند
بر وقوع خیرها و نیکی حال دبیرون و متصرفان و تجار و از تریب دلالت کند بر ظهور فساد
و رنجش در میان عامه و کساد بازارها و تباہی حال مردمان حقیر و مسکین و جستن بادها
و تاریکی هوا و از تشلیت دلالت کند بر قوه احوال دبیرون و متصرفان و سلامتی کودکان
و سیل هوا بتری و جستن بادها و آمدن باران و از مقابله دلالت کند بر فساد احوال عام
و متصرفان و دبیرون و جستن بادهای مختلف و چیزهای را جیف (اتصال قمر بعد
از انصراف بعطارد در برج اسد) از مقارنه دلالت کند بر حدوث رنج خار و سیل
هوا بغایت حرارت در وقت از شدت پس دلالت کند بر سعادت بزرگان و دبیرون و

نور

جوزا

میزان

اسد

انصاف قهر از اجتماع و استنباط

یاختن محف و هدایا از متصرفان ملوک و از تزیین دلاکت کند بر سرک مردی بزود از دیوان
 پادشاه و سلامتی کودکان بسیار را اجیف و از تثلیث دلاکت کند بر رسیدن اجناس
 خوش و قوت حال و ذرا و اشرف و تجار و از مقابله دلاکت کند بر خروج اعدا بر ملک
 از دیران و طبقات عطار و بتاهی هوا و جستن بادهای سرد (اتصال قهر بعد از آنکه
 انصاف بعطار در برج سبله) از مقدار دلاکت کند بر جستن بادهای خنک و یکی
 حال سوداگران و متصرفان و بسیار می خواند بیع و شری و یکی حال اهل بازار و از تثلیث
 دلاکت کند بر جستن بادهای سخت و سلامتی کودکان و از تزیین دلاکت کند بر رفتن
 تجار و بسیاری خصومت میان عامه و تغییر حال عامه و آمدن بارانها و کساد می بازارها
 و از زلزله زرخها و از تثلیث دلاکت کند بر منفعت بسیار و در صناعت و تجارت و خوش
 هوا و از مقابله دلاکت کند بر جستن بادهای سخت مایل سردی و پیداشدن عدل
 و در در میان ارباب صنایع و قوت تجار و متصرفان و خوشی عامه و کساد بازارها
 و از زلزله زرخها (اتصال قهر بعد از انصاف بعطار در برج میزان) از مقدار
 دلاکت کند بر قوت احوال تجار و آمدن اجناس تازه و از شدت دلاکت کند بر یکی
 حال تجار و ظهور در اجیف و استقامت احوال اشرف و بادهای مختلف و از تزیین
 دلاکت کند بر مخالفت اشرف و وزرا و کساد بازارها و بسیاری را اجیف و اخبار
 در روغ و از تثلیث دلاکت کند بر کساد بازارها و یکی احوال اهل ادب و از مقابله دلاکت
 کند بر بسیاری خصومت میان مردمان و بتاهی حال کودکان و یکی حال اهل با و اهل
 تنجیم و ارباب حساب (اتصال قهر بعد از انصاف بعطار در برج عقرب) از مقدار
 دلاکت کند بر هبوط ریاح مختلفه و ریخ کودکان و از شدت دلاکت کند بر حرکت هوا
 و بادهای خنک و بسیاری را اجیف و از تزیین دلاکت کند بر فساد احوال تجار و ریخ
 عامه مردم و اهل بازار و فساد حال اهل سلاح و از تثلیث دلاکت کند بر فساد بناها
 از بادها مختلف و باران و از مقابله دلاکت کند بر بتاهی حال حساب و دیران
 و بخوری کودکان (اتصال قهر بعد از انصاف بعطار در برج قوس) از مقدار

در تثلیث

در تزیین

در مقابله

والتصا او بسیار کواکب

دلائل کند بر قوت احوال تجار و آمدن اخبار ساره و از تندیس دلائل کند بر نیکی حال
 تجار و ظهور اراجیف استقامت احوال اشرف و بادهای مختلف از تربیع دلائل کند
 بر مخالفت اشرف و وزرا و کساد بازارها و بسیاری اراجیف اخبار دروغ و از تثلیث
 دلائل کند بر کساد بازارها و نیکی احوال اهل ادب و از مقابله دلائل کند بر بسیاری
 خصومت میان مردمان و بتاهی حال کودکان و نیکی حال طبایا و اهل تجیم و حساب
 (اتصال قمر بعد از انصراف بعطارد در برج عقرب) از مقابله دلائل کند بر هوس
 ریاچ مختلفه و ریح کودکان و از تندیس دلائل کند بر کیه هوا و بادهای خنک و بسیار
 اراجیف و از تربیع دلائل کند بر فساد احوال تجار و ریح عامه مردم و اهل بازار و فساد
 حال اهل سلاح و از تثلیث دلائل کند بر فساد نباتات از بادهای مختلف باران و
 از مقابله دلائل کند بر بتاهی حال حساب و دیران و رنجوری کودکان (اتصال
 قمر بعد از انصراف بعطارد در برج قوس) از مقابله دلائل کند بر مخالفت میان
 عامه و بنیادی اطفال و از تندیس دلائل کند بر قوت حال تجار و مردم دین و دنیوی
 اخبار و سعادت و زرا و از تربیع دلائل کند بر جستن بادها سرد و شدت سرما و
 مخالفت سوداگران و متصرفان و کثرت خصومت میان بازاریان و از تثلیث دلائل
 کند بر قوه احوال اهل علم و صلاح و استقامت حال دیران و تغییر هوا و از مقابله دلائل
 کند بر سرمای سخت و سقوط تکوک و برف و استقامت احوال اهل شر و فساد و قوت
 در کارها (اتصال قمر بعد از انصراف بعطارد در برج جدی) از مقابله دلائل
 کند بر کرایه نرخیها و بتاهی احوال مردمان و از تندیس دلائل کند بر زیادتی سکرها
 و بسیاری اراجیف و نیکی احوال مشایخ و دهائین و خدایان ضیاع و از تربیع دلائل
 کند بر ظهور کذب و مخالفت در میان اهل علم و جستن بارهای سرد و از تثلیث دلائل
 کند بر صلاح حال مردم و قوت علماء و اشرف و اهل صلاح و از مقابله دلائل کند
 بر فساد احوال وزرا و آریاب قلم و آمدن برف و تکوک و کثرت بارندگی و جل هوای سرد
 و کرایه نرخیها (اتصال قمر بعد از انصراف بعطارد در برج دلو) از مقابله دلائل

در تربیع قوس

در جدی

در دلو

اتصال قمر بعد از انصراف

کند بر جستن بادها و آمدن برف و ضیاب و سختی سرما و کسادى نازارها و ازتدبير
 دلالت کند بر صلاح حال دبيران و اهل علم و استقامت احوال مشايخ و دهاقين و
 جستن بادهاى ناخوش و از تربع دلالت کند بر هبوب رياح بارده و عاصف و سرما
 و ظلمت هوا و مخالفت علما و اهل دين و خداوندان سلاح و از تثلیث دلالت کند بر قوه
 حال اهل علم و استقامت حال کشاورزان و اهل کشت و زرع و بسيارى نوآيد ايشان
 و از مقابله دلالت کند بر زيان آب چشما و قوت حال دزدان و بریده شدن راهبان و
 بسيارى سرما (اتصال قمر بعد از انصراف بعطارد در برج حوت) از مقارنه دلالت
 کند بر قوت حال وزراء و اهل ديانت و ظهور عدل و انصاف ميان مردمان عامه و اهل
 اسواق و از تدبير دلالت کند بر قوه حال اهل علم و روانى کارهاى ذراعت و از تربع
 دلالت کند بر قوت مردى بزرگ از دبيران و متصرفان و تجار و از تثلیث دلالت کند
 توسط حال اهل علم و تصاعد قدردهاقين و سعادت احوال فضلا و از مقابله دلالت
 کند بر مخالفت اهل علم و دين و ظهور دوست و امانت در معاملات اسواق (بدون قمر)
 بعد از انصراف از اجتماع و استقبال خالى السير واقع در برج حمل) دلالت کند بر توسط
 ملوک و اشراف و ظهور سعادت بعضى از اهل سلاح (در برج ثور) دلالت کند بر فساد
 احوال زنان و توسط کارهاى اهل نماز و اوند و وقوع تغير در ميان عامه مردمان و
 نيکى احوال صناعت و اعتدال هوا و از زيان زخما (در جوزا) دلالت کند بر توسط احوال
 زنان و ميل هوايترى و جستن بادها و تاريكى هوا (در برج سرطان) دلالت کند بر
 بسيارى خير و سعادت در عالم و قوت احوال تجار و نيکى حال ارباب صناعت (در برج اسد)
 دلالت کند بر فساد حال چهارپايان و هلاک بعضى از ستوان (در برج منبله) دلالت
 کند بر تباهى حال زنان و ارباب طرب و اصحاب بلاهى (در برج ميزان) دلالت کند بر تباهى
 حال هوا و بسيارى جنوبات و فساد حال زنان (در برج عقرب) دلالت کند بر تباهى
 هوا و غلبه اهل شر و فساد (در برج قوس) دلالت کند بر شکستن کارها و قافله ها و
 فساد حال تجار (و در برج جد) دلالت کند بر فساد احوال و کلا و جاسوسان و پيکان

در برج حوت

الکون
فعل
بمعنى
انصراف
قمر
بعد
من
الاجتماع

مجاهد قمر بعد از انصراف بقدر اسک

و عام مردمان (در برج دلو) دلالت کند بر تباهی حال زنان در احوال عامه مردمان و استقامت
 احوال اهل رستاق (در برج حوت) دلالت کند بر زانی نرخیها و حیوانات آبی و ظهور
 عدل و انصاف در مردم (مجاوده قمر بعد از انصراف از اجتماع و استقبال بعقد و آسود
 برج حمل) دلالت کند بر زیاده شدن شرف و بزرگی در اهل علم و دیانت و ارباب قید
 و صلاح و خصومت میان این ظانف و ملوک و حکام و زیادتی قدر مشایخ و اشراف و
 زهاد (در برج ثور) دلالت کند بر صلاح احوال اهل علم و اصحاب قید و صلاح (در
 برج جوزا) دلالت کند بر ظهور شخصی بزرگ عظیم الشان از علماء و اهل صلاح و زهد
 (در برج سرطان) دلالت کند بر قوت احوال مردمان و زیادتی قدر و جاه علماء و بزرگان
 دین (در برج اسد) دلالت کند بر صلاح کار ملوک و مردم بزرگ (در برج سنبله) دلا
 کند بر نیکی کت و زرع و عمارت و بسایین (در برج میزان) دلالت کند بر قوت حال زنان
 و ستوران (در برج عقرب) دلالت کند بر قوت حال سرهنگان و لشکر بان و امرای و
 اهل سلاح (در برج قوس) دلالت کند بر قوت حال ستوران و زیادتی در نسل ایشان
 (در برج جد) دلالت کند بر ظفر یافتن مردمان بکارهای مستور و ظهور اخبار از آن
 (در برج دلو) دلالت کند بر بسیاری رعد و برق و طغیان آب چشمها (در برج حوت)
 دلالت کند بر قوت احوال ملاطیان و زیاده شدن آنها (مجاوده قمر بعد از انصراف از
 اجتماع و استقبال بعقد و زینت در برج حمل) دلالت کند بر بسیاری در بزرگان و عطاء
 (در برج ثور) دلالت کند بر تباهی حال اشراف و بزرگان (در برج جوزا) دلا
 کند بر تباهی حال اشراف و ظهور عجائب (در برج سرطان) دلالت کند بر تباهی حال
 غریب و مسافران (در برج اسد) دلالت کند بر حیل و دروغ و نقصان ما تم (در برج
 سنبله) دلالت کند بر حرارت هوا و تاریکی (در برج میزان) دلالت کند بر فساد حال
 دواب هوا (در برج عقرب) دلالت کند بر فساد مردم از زیادتی هوام زمین و کما
 زلزله (در برج قوس) دلالت کند بر نقصان اسلحه و اب خاصه اسبان (در برج
 جدی) دلالت کند بر نقصان جواهر معدنی خاصه نقره و مسیاب (در برج دلو)

مجاهد قمر بعد از انصراف

تنبیهات متفرقه

دلالات کند بر نقصان اب چشمها و کاربزهها (در بیج حق) دلالت کند بر شکست کاروانها
 و هلاک ملاحان و نقصان ابها و چشمها و الله اعلم و ما این فصل را بذکر بعضی تنبیهات
 ضروری و مستحب که در این متعارفهاست ختم کنیم بجهت آنکه و توفیق پس گوئیم که ^۸ و
 کواکب و نظرات و مشاکلات و غیرها از آنچه بعد ذکر خواهد یافت در صورت طوابع
 بودی و اجتماعات و استقبالات مقدم بران نزد قوم بسیار معتبر است خاصه مستزق
 مستولی طالع سال یا فصل یا سال الحورده که احکام ایشان کمتر خطا افتد و
 در سایر اجتماعات و استقبالات نیز اعتبار دارد اما نه در آن مرتبه و امتداد که
 اشارتیه کیا کوشیا رحلی پس مناسب این موضع است که در این باب بعضی اشارت
 بر سبیل توضیح و اختصار نموده شود تا طالبان این صناعت را سر دستر بدست افتد
 (هر طالع از طوابع اجتماعات و استقبالات موافق طوابع بودی از سال و فصل باشد
 اظهر الدلالة بود و مقتضای آن طالع در مدت این طالع بیشتر بفعل آید مع هذا که
 دلایل هر دو طالع نیز با هم موافقت کنند (تفسیر) از مستزق و مستولی بر طالع هر اجتماع
 و استقبالات مخالف نباید بود و هر حکم که بر مستزق و مستولی طالع سال کرده اند در آن
 نیز جاری باید ساخت اما از قوت نباشد و نیز محتاج بشواهد دیگر نباشد زنییم
 تالیث علوین را چه نور یا عشا من و اسایش و صلح ملوک گرفته اند پس اگر احدی گوید
 در او تا د طالع مذکور بود امر مذکور مؤکد و مستحکم باشد علی الخصوص که بقوای و اتم
 و شفاعات کواکب صعوده ار استر و پراستر باشد اگر زحل بود با وجود مصالح
 یا د شاه و قیوم بصوت تر باشد که با د س مشری بود یا د شاه مدعی و این وضع در
 او تا د طوابع اجتماعات و استقبالات جزو باعشا ان شود که مودت ایشان در آن ايام
 سمت مستحکم و تر اید داشته باشد و حکم قران سعدین رحوت نیز بر این پنج است
 بلکه مستحکم تر و از آنچه گفتیم از اوضاع قران و تزییع و تقابله نحسین را در آثار و روبر
 قیاس توان نمود العاقل کیفیه الاشارة (تفسیر) عدم مناظره سعدین بدرجه عاشر
 ملاست و بر است در حق ملوک و حکام خاصه که در ثانی عشر یا تا من افساب باشند

تفسیر

تفسیر

تفسیر

تنبیهات متفرقه

و بدتر آنکه بود که محترق یا در وبال یا در تدا لارض هم چنین مجاسده زنب باحد الخسین
 در وسط السماء اما از حلول سعود در عاشر صلاح حال سهم الفیض عکس این بود و
 اینها بشواهد واقضای زمان حکم قابل حکم بود الا بر سبیل ضعف و امکان بعد حل
 باید نمود (تنبیه) حلول مریخ در احد الاوتاد دلیل شرف و فتنه بود و خروج در زمان
 و بدکاران سیما که راجع باشد و اگر بجای مریخ زحل باشد بیماریهای سوداوی بلغم
 مزمن عارض گردد و در او تدا اجتماعات باستقبالات هر دو امر موکد باشند بسبب
 وجود سهمین مشهورین در درجه طالع یا سابع و اگر نیرین مریخ مضموم شود قتل و بیماری
 بود و در اوقات ملوک و سلاطین (تنبیه) قرآن مخکین در طالع اجتماعات استقبالات
 دلالت کند که خاک و غافلان بلاد که بان برج منسوب بود آفت رسد و دیگری بجای
 او بنشیند و اگر اعیان در طالع یواری یا اجتماع یا استقبال مقدم بران باشد پادشاه
 آنوقت رحلت نماید و ملکش دیگری فری گیرد و این امر نزد این فقیر محروست چه در
 یکسال قرآن مخکین در برج جد در یکی از این طوابع شد در خاطر قراتین شکسته چنان
 خطور کرد که والی هند رحلت مینماید این مضموم زاد در حقیقه در سفر اذربایجان پادشاه
 ظل الله عرض نمود بعد از آنکه زمانی این خبر در ایران شایع شد و اگر قرآن مخکین
 مریخ و مشتری وقوع یا بد بزرگی را از منسوبات در آنوقت آفت رسد و مصیبت عام کرد
 و اگر قرآن زهره و مریخ باشد در طالع عاشر یواری گویند پادشاه رونم و آفت رسد
 و اگر قرآن زهره و زحل باشد کرایه باشد و اگر قرآن عطارد و مریخ بود آفت منسوب
 عطارد باشد و اگر قرآن عطارد و زحل بود بیک عظیم شود و موت خلایق و اگر قرآن
 سعدین بود راحت فراخی نعمت و اسایش و امین روی نماید و اینها بشواهد دیگر کف
 بود (تنبیه) سهمین حرب نیز در این طوابع اثر نباشند مقارنه و نظر عداوت
 مریخ را با ایشان دلیل تهمیم فتنه باید دانست و مقارنه و نظر عداوت زحل دلیل بیماری
 و تنگی (تنبیه) فعل اول گوید هرگاه صاحب طالع مضموم باشد مریخ و سعدی ناظر
 بود بطالع گناه کاران در آن ایام بعفو پادشاه و حکام خلاصی یابند اگر چه مستحق

تنبیه

تنبیه

ج

تنبیه

عشر

عنقوبت شده باشند (تنبيه) اتصال صاحب طالع بصاحب سادس مع نحوست فرود لا
 کند بر حدوث بیماری در آن ایام و اگر بجای صاحب سادس صاحب ثامن بود با نحوست فرود
 دلیل مرگ باشد (تنبيه) احتراق باعث الشعاع مریخ در طالع باعاشه دلیل بیماری
 شیخون و اشوب و فتنه بود خاصه که در برج منقلب باشد (تنبيه) چون خانه ششم
 بجرم یا شعاع نحسی نفوس شده باشد بیماریها از مزاج آن شخص حادث گردد و اگر ششم
 و عطارد و قمر در صورت نیکو مال باشند خاصه عطارد در او نادر بود خاصه در عاشر
 مرضی علاج پذیر باشد فی الجملة سلامت عطارده دلیل صحت ایشان بود و صواب فساد
 اطبا (تنبيه) چون صاحب طالع اجتماع و استقبال از کواکب باران باشد یعنی زهره
 و عطارد و قمر در برجهای باران یعنی مثلثه لبه و اسد و دلو متصل متصل بود یکی از
 کواکب باران دلیل بسیاری بارندگی باشد خاصه در او انش اگر ان کواکب قرار باشد بار
 غام بود چنانکه اکثری از مواضع را شامل شود و اگر زهره بود بارندگی نافع آید و ظلمت
 هوا و اگر عطارد بود بارندگی اندکی بود و موج هوا و ظلمت بود و اتصال کواکب را
 از مانع و معطی رعایت نمودن از ارکان شرط است از آن غافل نباید بود (تنبيه)
 اگر ماه از یکی از زهره و مریخ منصرف شود و دیگری بویندد دلیل باران و نم باشد
 و اگر از عطارد و مشتری منصرف شود و دیگری متصل گردد دلیل کثرت باد و باران
 فی الجملة باشد و اگر یکی از شمس و زحل منصرف شده باشد دیگری بویندد دلیل کدورت
 سردی هوا و اشفتگی و حدوث برف باشد سیما که زحل در عاشر بود و اگر بزحل فقط
 بویندد تا یکد امر مذکور کند و ظاهر است که اینها شرط بوقت و موسم است و این
 اوضاع در وقت اجتماع و استقبال و ترسین بسیار معتبر و مؤثر باشد که اشارت
 المحقق الطوسی (اتصال ماه بزهره از خانه عطارد ابر و باران انکه در سیما که ایشان
 نیز بهم متصل باشند) (تنبيه) حلول یکی از نیرین در وقتی دلیل فساد و تغییر هوا
 بود و تاریکی و بارندگی و اگر سعدین بر این صفت باشند دلیل اعتدال و خوبی
 هوا باشد و صلاح زرع و اشجار (تنبيه) حلول مریخ در یکی از او نادر خاصه در

تنبيه

تنبيه

تنبيه

تنبيه

تنبيه

برج بادی و متصل بقطار و صعود از وی ساقط دلیل کثرت رعد و برق و باران محرق
 سرب و طلا و نقره و فساد هوا و آمدن مایع بود و اگر در غاشق بود و نظر عطار در باران او
 بعد از آن باشد استنشاد در هوا بهر سرد و شاید که در آن ماه یکی از علامات انشی بظهور
 آید خاصه که قمر نیز ناظر باشد و این تجربه شده است (تفسیر) حلول عطار در وقت
 از برج هوایی خاصه غاشق و صحو پس دلیل وزیدن بادهای موزیه و بادی هوا باشد
 (تفسیر) بودن زحل در وقت غاشق خاصه در برج بار در دلیل سرما و کثرت برف است و
 در حد خود موکد این امر باشد و در وقت رابع دلیل زلزله و رجفات الارض بود و خرابی
 عمارتها و حصارها و ظهور راههای سیاه و فساد گیاه و مرگ دو آبالمیاء و غرق کشتیها
 و اگر در برج خانی باشد موکد زلزله بود خاصه که عطار در ناظر بود بعد از آن و نظر قمر
 نیز باعث تاکید است و بودن مریخ فوق الارض و متصل بزحل نیز ممد و معاون این امر بود
 و اینها بحر نسبت (تفسیر) ممازجت صاحب طالع مریخ از برج انشی در کماز زیاد کند و آن
 سرما کند و بزحل از برج ابر در سرما زیاد کند و از کماز کم کند (تفسیر) ممازجت
 صاحب طالع بخداوند سابع خواه اصله باشد و خواه بنقل و جمع دلیل باران بود در
 (تفسیر) او ضاع طالع اجتماع و استقبال در رخص و غلا بسیار معتبر باشد در این باب
 تفکر صائب باید نمود چنانکه گویند مستولی بر طالع باید دید و هم چنین قمر و صاحب
 طالع و صاحب شرف و مواضع این کوکب اربعه و صاحب هر یک چون این دلایل بقوی
 ذاتی و عارضی راسته باشند رواج جنس امتناع باشد که بایشان منسوب است و بودن ایشان
 در او تا دلیل فراوانی امتناع بود با صفت غریب و اگر مبتدا بضعف باشند عکس بودن
 متاع خوار و بی اعتبار باشد و مردم بان کم الثقات نمایند (تفسیر) هر کوکب که در غلات
 اوج و تدویر و هم چنین در عرض صاعد بود و در سیر زاید نرخ متاعی که منسوب باشد
 با و روز بروز در تضاع باشد و اگر هابط بود در سیر ناقص و راجع باشد عکس بود
 (تفسیر) زحل در طالع دلیل محظ است خصوصاً که در شرف بود و اگر با ذنب بود تاکید
 امر مذکور کند (تفسیر) بودن قمر فوق الارض متصل بکوکب تحت الارض از زانی کند

تفسیر

تفسیر

تفسیر

تفسیر

تفسیر

در تاسیسات

و اگر تحت الارض باشد و متصل بکوکب فوق الارض کرانی اینقدر در این موضع و در این مقاصد کافی باشد و زیاده ازین مفضو بطلو بیل است و الله اعلم بالصواب (فضل پنجم در احکام تاسیسات است) این اصطلاح از جمله معتقدات روایان است و عرب تاسیسات گویند و از آن بجران هوا میخوانند یعنی تغییر هوا از حالتی بحالی و با حقیقت بجرانها را در شرح بیست و نهم باب بیچندی بتفصیل بیان کرده ام و دقیقه اجتماع را در این اصطلاح مجای میدیدیم و از اینجا ابتدا کرده بجهت سهولت منطقه البروج بهشت قسم مساوی میکنند و آن اقسام را از وایای ثمانیه گویند و اینها مواضع بجران عظیمه^{دلیل} بود و مواضعی را که پس و پیش از جزو اجتماع و نظیر او باشد بد و ازده درجه نیز داخل مواضع بجران دانند و اینها را باز وایای ثمانیه که مجموع دو ازده باشند تاسیسات گویند پس موضع اول از مواضع تاسیسات فقط اجتماع باشد بعد از آن تمامست درجه دوازدهم آن پس درجه چهل و پنجم پس نوزدهم پس صد و سی و پنجم پس صد و شصت و هشتم پس صد و هشتاد و دوم پس صد و نود و دوم پس صد و بیست و پنجم پس صد و بیست و هفتاد و پنجم پس صد و هشتاد و پنجم پس صد و هشتاد و هشتاد و پنجم پس سیصد و شصت و پنجم پس جزو اجتماع در روز ثمانیه و اهل احکام سیما رو بیان گویند که چون جزو تاسیسات در برج رطب واقع شود و قمر در آن جزو متصل شود بکوکب رطب سیما از خانه عطار در ابر و باران و آنرا نیکتر و مجیب زمان و مکان و اگر درین حال عطار در متصل بزهه باشد یاد را آنموضع فتح البانی دست دهد تا یکدم مهذکور کند هر مسو حکیم که او را مثلث بالشمه گویند هر یک از کوکب متخیره که در موضع تاسیسات مقارن قرار باشد احکام فرموده و ما انزا بعباری واضحتر ترجمه کرده در این کتاب نقل کردیم تا لا لبان این فن را اینا از آنکه کلام الملوک ملوک الکلام است تذکره و دستور باشد (احکام زحل در موضع تاسیسات با قدر برج حمل) اگر در ثلث اول برج بود دلالت کند بر حدوث رعد و برق و ریاخ و فلاح در کافه نام و قلت شر و سلاخه و محفوظ بودن اموال و اگر در ثلث دوم بود دلالت کند بر اختلاف هوا در ثلث ششم دلالت کند بر رسیدن سخنی و زحمت مردم و حرارت

فصل
در تاسیسات
کوکب

در برج اشعی عشر

هوا برودت آن در اوقات مختلف کرد و وسط حقیقی برج بود دلالت کند بر جدت
 امراض و مردم (در برج نهم) در ثلث اول دلالت کند بر جدت ضباب و زلزله
 در اماکن و جور و شدت از حکام و ولایة بنامد عنا کر یا در شاه با جمعی از اعدا و در
 ثلث ثانی دلالت کند بر کثرت امطار و برف و جلید در وقت و موت خوانین معظمه
 در ثلث ثالث دلالت کند بر تبذیر اموال پادشاه و سلاطین (در برج جوزا) در
 ثلث اول دلالت کند بر سکون و صلاح پیران معرکه لازم اما کن مشرفه اند و در ثلث دوم
 دلالت کند بر مصیبت پادشاه و وزیران سبب انتقال اشیاء و اندراس و تضییع آن و
 در ثلث سیم بر ضعف مزاج و شدت عنا که عارض ملک شود (در برج سرطان) در ثلث
 اول دلالت کند بر سمن و سلامتی پادشاه و اطاعت غایا و کافه نام و در ثلث دوم
 کند بر موت شخصی شریف عظیم الشان از خاندان سلطنت و در ثلث سیم دلالت کند
 بر دشواری امور از بیع و شری و داد و ستد و ظهور جانوران ضاره در دریا و قلت
 ماهیان و باقی حیوانات آبی و اگر در وسط برج باشد دلالت کند بر مضرت و مرض
 در پادشاه (در برج اسد) در ثلث اول دلالت کند بر حسن مزاج هوا و کثرت میوه
 و سلامتی اشجار و در ثلث ثانی دلالت کند بر ضعف مردم و جدت امراض در میان
 خلق سیما در اصحاب و اعیان پادشاه و خوف مقربان از پادشاه و در ثلث سیم وقوع
 عداوت باشد میان مردم و فقدان محنت و بسیاری خبرهای بد و اگر در میان نه برج
 باشد دلالت کند بر قوت پادشاه و نصرت یافتن بر اعدا (در برج سنبله) در ثلث
 اول دلالت کند بر دخول بلا بر پادشاهی و در ثلث دوم دلالت کند بر موت مجاز و در
 ثلث ثالث دلالت کند بر کثرت اراجیف در میان کتاب و اهل قلم و تشییع و تقرب
 و گفتن سخنان بهوده (در برج میزان) در ثلث اول دلالت کند بر قوت بندگان
 و ملوک و تسلط ایشان بر مالکان و در ثلث ثانی دلالت کند بر تبذیر و تغییر
 آن و در ثلث سیم دلالت کند بر غارت و اسیر و کربخیت مردم از تعدای یاغیان
 (در برج عقرب) در ثلث اول دلالت کند بر تهاون و تعظم مردم بر درگاه سلاطین

در برج جوزا

در برج سرطان

در برج سنبله

در برج اسد

در برج میزان

در برج عقرب

در برج جد

احکام تاسیت اکواب

وضعف کار فرمندان و در ثلث ثانی دلالت کند بر قلت اموال سلاطین و نقصان اموال
 و خزان و در ثلث ثالث دلالت کند بر کثرت امطار و در فوراً امراض (در برج قوس)
 در ثلث اول دلالت کند بر کثرت خراج و حیانت اموال و در ثلث ثانی دلالت کند بر
 استخراج اشیاء و اموال نهانی به عناوین و تعب در ثلث سیم دلالت کند بر بنا مساجد
 اصلاح اماکن مقدسه و اگر در میان برج بود دلالت کند بر زحمت و بیخ ملوک و تحویل
 یادشاهی از موضعی به موضعی (در برج جد) در ثلث اول دلالت کند بر تفرق مردم و در
 ثلث دوم دلالت کند بر موت یکی از سلاطین و جوع و محظ در میان مردم و وقوع فساد
 و در ثلث سیم دلالت کند بر حزن و شدت غم و اگر در میان برج باشد دلالت کند بر
 فریب در بیوتات پادشاه و بزرگان و سرداران بجای (در برج دلو) در ثلث اول دلالت
 کند بر مضرت و جور مردم و در ثلث ثانی دلالت کند بر باطل شدن امور عظیمه از صاحبان
 عزت و اشراف و رؤسا و در ثلث سیم دلالت کند بر موت زنان پیرو سالخورده و اگر
 در میان برج باشد دلالت کند بر افت رسیدن بدها قین و آریاب فلاح (در برج
 حوت) در ثلث اول دلالت کند بر حسن مزاج هوا و در ثلث ثالث دلالت کند بر کثرت
 ارباب و قوه اعدا و اگر در میان برج باشد دلالت کند بر غم و مکروهات (احکام
 مشهور در مواضع تاسیت یا قمر در برج حمل) در ثلث اول دلالت کند بر باج معتدل و صحت
 ابدان مردم و در ثلث ثانی دلالت کند بر کثرت باران در بهار و در وقت حصاد و در ثلث
 سیم دلالت کند بر کثرت رعد و برق و صواعق و زیادتی سرما در وقت و اگر در میان
 برج بود دلالت کند بر خروج پادشاه و سرداران و نکبت اعدا و قهر کردن بر اهل فتنه
 (در برج ثور) در ثلث اول دلالت کند بر بارهای معتدل و صحت ابدان و در ثلث دوم
 دلالت کند بر کثرت باران در آخر ربیع و وقت حصاد و در ثلث سیم دلالت کند بر رعد
 و برق و صواعق و بر دگر در وقت و اگر در میان برج باشد دلالت کند بر فرج پادشاه
 و نکبت اعدا و قهر کردن مریشانرا (در برج جوزا) در ثلث اول دلالت کند بر ظفر
 پادشاه بر اعدا و در ثلث دوم دلالت کند بر غزوه صالحه که در او فوائد و منافع باشد

در برج قوس

در برج جد

در برج دلو

در برج حوت

تاسیت اکواب

در برج ثور

در برج جوزا

و در ثلث سیم دلالت کند بر صحت بدن پادشاه و خوشحالی او و میانم برج بود دلالت
 کند بر سرور پادشاه و وزیرای او (در برج سرطان) در ثلث اول و ثانی دلالت کند
 بر حسن اطاعت رعایا نسبت بسلاطین و حکام و وقوع مصالح در خدمت پادشاه
 و در ثلث سیم دلالت کند بر استوار درستی تابش و اعتدال بادها و خوشی هوا و اگر در میان
 برج باشد دلالت کند بر تغییر و تبدیل اشیا (در برج اسد) در ثلث اول دلالت کند
 بر انتقال پادشاه و حرکت او از مکانی بمکانی و در ثلث دوم دلالت کند بر رونق و تراپد
 نمالت پادشاه و در ثلث سیم دلالت کند بر تشویش مردم و اخبار اراجیف کثیره و مسفر
 پادشاه با ماکن بعیده و اگر میانم برج بود دلالت کند بر تغییر امور و شدت و
 اضطراب و اختلاف میان مردم و حواریت در مزاج و حال و اکثر اطفال و حدوث
 حصه جدگ (در برج سنبله) در ثلث اول دلالت کند بر خشکی هوای خریف و کمی
 باران و نم و در ثلث دوم دلالت کند بر منفعت کتاب و وزراء و کثرت فرج و سرور و
 خوبی حال ایشان و در ثلث سیم دلالت کند بر شفقت و رافت پادشاه نسبت بمردم
 و حسن خلق و احسان بکافه خلق و اگر در میانم برج بود دلالت کند بر بشارت مردم بخیر
 و خوبی و فرج خلائق (در برج میزان) در ثلث اول دلالت کند بر زیادتی خیر و کرامت
 و در ثلث ثانی دلالت کند بر کثرت امطار و در ثلث سیم دلالت کند بر حسن مزاج هوا
 و صفای آن و قلت امراض و برطرف شدن آن و اگر در میانم برج بود دلالت کند بر
 پادشاهان و سلاطین (در برج عقرب) در ثلث اول دلالت کند بر حرکت عساکر
 و جنود از مکانی بمکانی و در ثلث دوم دلالت کند بر سلاطین پادشاه و صحت بدن
 و مزاج او و در ثلث سیم دلالت کند بر اعتدال هوای زمستان و کثرت منفعت و اگر
 میانم برج بود دلالت کند بر اخبار صالحه یا فرج و سرور که لاحق پادشاه و سایر ناس
 شود (در برج قوس) در ثلث اول دلالت کند بر منفعت اهل دریا و سلاطین ایشان
 و در ثلث دوم دلالت کند بر منفعت حواریت از لباس و خوشحالی ایشان و بیرون آمدن
 از خوف و بیم و در ثلث سیم دلالت کند بر فرج پادشاهان و بیرون آمدن از غم و غم

سرطان

اسد

سنبله

میزان

عقرب

قوس

و غم

در احکام تاسیسات

و خلاصی از تعب و کرب و انتقال از مکانی به مکانی و اگر در میان برج بود دلالت کند بر عدد
 اخبار و منافع بر ملوک (در برج جد) در ثلث اول دلالت کند بر تلف اموال پادشا
 و زبونی خزان و در ثلث ثانی دلالت کند بر خرابی هوای زمستان و شیوع مرض عرق
 النساء در میان مردم و در ثلث سیم بر صحت پادشاه و سلامتی نفس او و اگر در میان
 برج باشد بر وفور منافع پادشاه و صلاح حال او (در برج دل) دلالت کند بر
 ثلث اول بر بنجد پادشاه فوت شده و ذکر سخنان گذشته و در ثلث ثانی بر شفقت ک
 پادشاه و علوم و مراتب ایشان و در ثلث سیم بر کرم ملوک نسبت به شایخ و رعایا و
 بهمنای حوایج ایشان و خلاصی سلاطین از احزان و اگر در میان برج بود دلالت کند
 بر ظهور ریشیاء و اسرار نهانی بر پادشاه (در برج حوت) در ثلث اول دلالت کند بر
 سفر پادشاه و در ثلث دوم بر کرامت ملوک نسبت با شرف و در ثلث سیم بر قوت لشکر
 و زیادتى ایشان و سلامتی در میان ایشان و اگر در میان برج بود دلالت کند بر فرج
 و سرور پادشاه و توابع پادشاه (احکام برج در مواضع تا پیش از قمر در برج حمل)
 در ثلث اول دلالت کند بر کثرت وعد و برق و صواعق در وقت و در ثلث سیم دلالت
 کند بر راحت لشکریان و قلت تعب ایشان و سکون اعداء ایشان و اگر در میان برج بود
 دلالت کند بر بیماری خوشی در مردم (در برج ثور) در ثلث اول دلالت کند بر هوا
 نافع و در ثلث ثانی بر قلت اشیاء و فساد غلات و کثرت سیم بر مکرک
 زنان و اگر در میان برج بود بر علت بیماری در حرم و توابع آن (برج جوزا در ثلث اول
 دلالت کند بر خرابی و خوشی خالات مردم و در ثلث ثانی بر هیجان امراض و جمع دست
 منکین و در ثلث سیم بر ضعف پادشاه و عروج امراض بر مزاج او و اگر در میان برج بود
 دلالت کند بر صحت چشم ملوک و قوت آن (در برج سرطان) در ثلث اول دلالت کند
 بر حدوث زلزله عظیمه و رجفات الارض و در ثلث دوم بر هلاک مردمی از خوارج و عیش
 پادشاه و ظفر یافتن بران نماینده و در ثلث سیم بر اقامت جیوش و عساکر در امان و سلام
 این طبقه (در برج اسد) دلالت کند در ثلث اول بر سفر پادشاه و در ثلث ثانی بر

جوزا

حمل

حوت

در احکام تاسیسات

جوزا

حمل

حوت